

A Comparative Study of Financial Worship in the Quran and the Two Testaments; A Case Study of Zakat and Khums *

Zahra Akbari**
Sedigheh Oftadeh***

Abstract

This study examines the similarities, methods, amounts, and forms of paying the religious obligations of Zakat and Khums as outlined in the Quran and other scriptures. This is a descriptive-analytical study that demonstrates how Zakat and Khums are designated in the Quran as mandatory practices intended to alleviate the needs of the poor and promote a culture of mutual support. In the Torah, Zakat is also seen as an obligatory duty; however, the methods of payment and their usage differ from those in Islamic practice. In the New Testament, only moral guidance is provided to encourage donations and giving alms to those in need. Overall, from the perspective of these religions, the ultimate recipient of financial acts of worship is God, and by performing such acts, believers align themselves with the path toward the ultimate goal of creation and proximity to the Lord. This research highlights the shared connections and key differences in financial acts of worship across the Abrahamic faiths, suggesting that although there are differences in application and amounts, they share a common fundamental purpose and mission.

Keywords: Financial worship, Holy Quran, Khums, Zakat

* Received: 2025-05-18 Revised: 2025-07-12 Accepted: 2025-07-21

** Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran. Email: zh.akbari@ymail.com

*** Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Studies, Amol University of Quran, Amol, Iran. Email: m_s_oftadeh99@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

بررسی تطبیقی عبادات مالی در قرآن و عهدین: مطالعه موردی زکات و خمس*

زهر اکبری**
صدیقه افتاده***

چکیده

از مهم‌ترین عبادات و واجبات مالی در ادیان الهی، زکات و خمس است که نقش کلیدی در اصلاح و ساماندهی اقتصادی ایفا می‌کنند. در اسلام، زکات در کنار نماز، از پایه‌های دین محسوب می‌شود، به گونه‌ای که انکار آن به کفر و شرک می‌انجامد. متون عهدین نیز به چنین عباداتی اهتمام ورزیده و در راستای حمایت از نیازمندان و آسیب‌دیدگان جامعه به پرداخت‌های مالیاتی تأکید کرده‌اند. تحقیق حاضر که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، به بررسی تطبیقی ماهیت، چگونگی، میزان و شکل پرداخت فریضه‌های مالی زکات و خمس در قرآن و عهدین می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زکات و خمس در قرآن به عنوان فریضه‌ای واجب در جهت رفع نیاز محرومان و ترویج فرهنگ همیاری تشریع شده است. در تورات نیز زکات فریضه‌ای واجب بوده که البته نحوه پرداخت و کاربردهای آن با زکات اسلامی متفاوت است. در عهد جدید، تنها توصیه اخلاقی به پرداخت صدقه و بخشش مال به نیازمندان شده است. به طور کلی از نگاه این ادیان، دریافت‌کننده نهایی عبادات مالی، خداوند است و بندگان با انجام آن خود را در مسیر هدف نهایی خلقت و تقرب به پروردگار قرار می‌دهند. این مطالعه، پیوندهای مشترک و تفاوت‌های تطبیقی عبادات مالی را در ادیان ابراهیمی نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که هرچند در کاربرد و میزان پرداخت، تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در اصل و هدف مشترکی که دنبال می‌کنند، رسالتی مشابه دارند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، عهدین، عبادات مالی، خمس، زکات، عشر.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰
** گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)
zh.akbari@ymail.com ایمیل:
*** گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران. ایمیل:
m_s_oftadeh99@yahoo.com



۱- مقدمه

اسلام با تشریع عبادات مالی مانند خمس و زکات به عنوان راهکاری برای تزکیه نفس و پاکی اموال، بر اهمیت توزیع عادلانه ثروت و تأمین نیاز محرومان جامعه تأکید دارد. این عبادات، علاوه بر ابعاد فردی، دارای ابعاد اجتماعی نیز هستند و سبب تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی سازنده میان افراد جامعه می‌شود. بنابراین، مطالعه و تبیین این عبادات در قرآن و مقایسه آن با متون عهدین، می‌تواند راه کارهای دینی و فرهنگی جامع‌تری برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی در جهان ارائه دهد.

۱-۱. بیان مسأله

در فرهنگ قرآنی یکی از راه‌های تزکیه نفس، انجام عبادات مالی است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (توبه/۱۰۳). ترجمه: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی.

براساس آیه، زکات نشانه صداقت فرد در ادعای ایمان و عامل پاکی روح و رشد فضایل اخلاقی در فرد و جامعه است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/۴۹۷). البته با توجه به این که در عبادات اسلامی حتی در فردی‌ترین عبادات هم جنبه اجتماعی لحاظ شده است، زکات که عبادتی اجتماعی است، به‌طور ویژه متوجه جامعه است و برای تأمین مالی فرودستان و تعدیل ثروت در جامعه تشریع شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴/۶). از دیگر عبادات مهم مالی که در قرآن کریم به آن توصیه شده، خمس است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ... وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَ عَبْدِنَا...» (انفال/۴۱)، آیه بر وجوب

خمس دلالت دارد (طباطبایی، ۹/۱۱۷: ۱۳۷۸) و سیاق آیه بیانگر آن است که شرط ایمان به خدا و قرآن، پرداخت خمس است (همان: ۱۱۸؛ قرائتی، ۳/۳۲۱: ۱۳۸۸).

به طور کلی برنامه اسلام، محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی است و این احکام برای از بین رفتن محرومیت ها در جامعه تشریع شده است. از این لحاظ باید از ثمره غنائیم، جهاد و غیره برای محرومان جامعه هزینه کرد (قرائتی، ۳/۳۲۲: ۱۳۸۸).

موضوع زکات و خمس، پیشینه ای در ادیان الهی دارد. قرآن کریم با اشاره به سخن حضرت عیسی (ع) در گهواره، می فرماید: «... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم/۳۱)، پس نماز و زکات از مشترکات ادیان الهی است (قرائتی، ۷۲: ۱۳۸۲). در تورات آمده است: «خداوند به موسی فرمود به لاوی ها بگو: یک دهم عشریه هایی را که از بنی اسرائیل دریافت می کنید، به صورت هدیه به خداوند تقدیم کنید» (اعدا: ۱۸: ۲۵).

البته این شبهه از سوی برخی خاورشناسان مطرح شده که زکات اسلامی از تورات اقتباس شده است (شاخت، ۱۲: ۱۳۸۸؛ مونتگمریوات، بی تا: ۵۴۵-۵۵۰). اما واقعیت چیز دیگری است؛ ادیان الهی سرچشمه مشترک دارند و در طول تاریخ نشان داده اند که نه تنها بر جنبه عبادی دین تأکید دارند، بلکه با به رسمیت شناختن مسئولیت اجتماعی، احکامی را برای کاهش فقر، ترویج برابری و عدالت اجتماعی وضع کرده اند.

با توجه به مسأله فقر و گرسنگی در جهان، اهمیت اراده دینی برای عملیاتی کردن اصل زکات و خمس بیش از پیش نمایان می شود. واقعیت آن است که اجرای درست این احکام می تواند به عنوان ابزاری مؤثر در کاهش نابرابری ها و افزایش توزیع عادلانه ثروت عمل کند، اگرچه تحقق آن در سطح جهانی، نیازمند سیاست های مالی عادلانه و فرهنگ همبستگی است. توجه جامعه جهانی به اصل برابری و عدالت که در منشور ملل متحد نیز آمده است (منشور ملل متحد، ماده ۱، بند ۳)، می طلبد تا انگیزه قوی تری

برای پیاده‌سازی آموزه‌های ادیان برای رفع نابرابری در توزیع و برخورداری باشد. از سوی دیگر، هدف از بررسی تطبیقی عبادات مالی ازجمله زکات و خمس در قرآن و عهدین، درون‌مایه‌های مشترک ادیان را آشکار می‌سازد و ظرفیتی برای گفت‌وگوی بین ادیانی فراهم می‌کند. از این لحاظ، چنین مطالعه‌ای هم‌چنان‌که می‌تواند عرصه‌های مشترک دینی را شناسایی کند و به احترام متقابل بینجامد، می‌تواند برای فائق‌آمدن بر چالش نابرابری اقتصادی نیز فرصت‌های جدیدی فراهم آورد. این روی‌کرد، نه تنها به غنای فهم دینی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در قالب پروژه‌های همکاری بین ادیانی، برنامه‌هایی را برای کاهش فقر و ارتقای عدالت اجتماعی در سطح بین‌المللی ارائه دهد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

بررسی پایگاه مقالات نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی درباره بررسی تطبیقی عبادات مالی در قرآن و عهدین انجام نشده است؛ اما حسینی (۱۴۰۱) در مقاله «عبادات یهودیت در مقایسه با عبادات اسلام» به بررسی تطبیقی عبادات واجب در یهودیت و اسلام ازجمله قربانی، نماز، طهارت معنوی، واجبات مالی، حضور در خانه خدا و کفارات پرداخته و به این نتیجه رسیده است که عبادات دو دین الهی، علاوه بر این‌که شباهت‌هایی دارند، دارای تفاوت‌هایی نیز هستند و عبادات یهودیت در پاره‌ای موارد سخت‌تر از اسلام است، درحالی‌که عبادات اسلامی کامل‌تر و عمیق‌تر است. هم‌چنین، سیاشی ارانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «جایگاه عبادت در قرآن و عهد عتیق»، جایگاه عبادت در قرآن و عهد عتیق را بررسی کرده است. در این پژوهش مشخص شد که عبادت در قرآن و عهد عتیق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان عهد خداوند با بندگان مطرح شده است و درواقع، توحید عبادی اصلی‌ترین آموزه پیامبران و مهم‌ترین رهاورد رسالت آن‌ها بوده است.

سادات سجادی (۲: ۱۴۰۱)، در مقاله «نقد و بررسی انگارة اقتباس زکات از تورات» به نقد فرضیه اقتباس قرآن از تورات با بررسی تطبیقی زکات در قرآن و عهدین پرداخته است. او پس از بیان دیدگاه‌هایی که محتوای قرآن به‌ویژه زکات را برگرفته از تورات دانسته، وحدت منشأ را عامل وجود درون‌مایه‌های مشترک میان این دو دین ابراهیمی مطرح کرده است.

روشن است که در این مطالعات، عبادات به‌صورت کلی مطرح شده و بر عبادات مالی، به‌ویژه زکات و خمس، کمتر تمرکز شده است. بنابراین، پژوهش پیش رو فرصت مطلوبی برای تحلیل عمیق‌تر درباره زکات و خمس در قرآن و عهدین و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های این عبادات برای ارائه تفاوت‌های فرهنگی و پیام‌های مشترک ادیان ابراهیمی است.

۳-۱. ضرورت پژوهش

پژوهش‌های تطبیقی این امکان را فراهم می‌کند تا نظریات و داده‌ها در حوزه‌های مختلف به‌صورت نظام‌مند مطالعه شود و درک بهتری از اشتراکات و تفاوت‌ها ایجاد شود. از این لحاظ، تبیین و مطالعه بر روی عبادات مالی در قرآن و عهدین، پیام‌های مشترک ادیان ابراهیمی را برای رفع نابرابری‌ها و برقراری عدالت آشکار می‌کند که این امر می‌تواند نقش مهمی در تقویت هویت دینی و هم‌افزایی فرهنگی میان پیروان ادیان داشته باشد و مسیر را برای همکاری‌های بین ادیانی هموار کند.

۲- بحث و یافته‌ها

بررسی آیات قرآن و کتاب مقدس نشان می‌دهد که عبادات مالی از مشترکات ادیان الهی است. این عبادات، تنها یک توصیه اخلاقی و تشویق به کارهای نیک نیست، بلکه

وظیفه‌ای دینی و واجب است که از یک سو، سبب ارتباط بین انسان و خداوند می‌شود و از سوی دیگر، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند. در قرآن کریم، زکات و خمس و در عهد قدیم، صدقه و عشریه به عنوان فریضه‌های مالی مطرح شده‌اند که دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در زمینه‌های مختلف هستند. در عهد جدید نیز، صدقه و بخشش مال به فقرا و نیازمندان، محل توجه و توصیه جدی است.

۲-۱. عبادت

«عبادت» در لغت به معانی نهایت فروتنی، طاعت و تذلل آمده است (ابن‌منظور، ۳/۲۷۳: ۱۴۱۴؛ ازهری، ۲/۱۳۸: ۱۴۲۱؛ راغب اصفهانی، ۵۴۳: ۱۴۱۲). راغب اصفهانی عبودیت را نیز به «اظهار فروتنی، طاعت و فرمانبرداری» معنا کرده، با این تفاوت که «عبادت از عبودیت بلیغ‌تر است» (راغب اصفهانی، ۵۴۳: ۱۴۱۲). او با استناد به آیات قرآن، به دو گونه قهری و اختیاری عبادت اشاره می‌کند (همان). از دید علامه طباطبایی عبادت به معنای رجوع و روی آوردن بنده به سوی خدا (طباطبایی، ۷/۲۶۸: ۱۳۷۸) و نمایش و اثبات بندگی او است (همان: ۱/۱۸۹) از این لحاظ، جز برای خداوند به کار نمی‌رود (طریحی، ۳/۹۳: ۱۳۷۵). فقها عبادت را به کارهایی که انسان باید براساس دستورات شرع با قصد قربت انجام دهد، تعریف کرده‌اند؛ که شامل: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و غیره می‌شود (مطهری، ۱۰۴: ۱۳۸۵). شهید مطهری عبادات را به سه قسم عبادت بدنی، مالی و فکری تقسیم کرده است: عبادات بدنی شامل نماز، روزه و مانند این، عبادات مالی مانند زکات، خمس و به طور کلی انفاقات و عبادت فکری همان تفکر است که «افضل انواع عبادات است» (مطهری، ۲۵۴: ۱۳۸۹).

در قرآن کریم عبادت به معنای پرستش خداوند است که یک پیمان الهی است (یس/۶۰) و خداوند آن را از بشر از راه وحی، عقل و فطرت گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۶۵).

۲-۲. زکات در قرآن

از جمله عبادات مالی که برای تعدیل ثروت در جامعه و رسیدن به عدالت اقتصادی تشریع شده است، زکات است. معنای اولیه زکات، رشد و نمو و زیاد شدن است (ابن فارس، ۱۷/۳: ۱۹۷۹) و در معنای طهارت و برکت هم به کار رفته است که شامل پاکی اموال و زکات فطر و نیز مشمول پاکی بدن‌ها می‌شود (فراهیدی، ۵/۳۹۴: ۱۴۰۹؛ ابن منظور، ۱۴/۳۵۸: ۱۴۱۴؛ زبیدی، ۱۹/۴۹۵: ۱۴۱۴). راغب نیز اصل زکات را به معنای رشد و نمو که از برکت حاصل شده باشد، معنای کند (راغب اصفهانی، ۳۸۰-۳۸۱: ۱۴۱۲).

زکات در فقه به معنای پرداخت اندازه معینی از اموال خاص است که به حد نصاب معینی رسیده باشد. این اموال نه گانه شامل: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گاو، گوسفند و شتر می‌شود (حلی، ۱/۱۰۵: ۱۴۱۹).

واژه زکات و مشتقات آن حدود ۵۹ بار در قرآن کریم به کار رفته که در ۲۶ مورد در کنار واژه صلاه آمده است. به اعتقاد برخی مفسران این امر نشان‌دهنده آن است که در میان عبادات بدنی، نماز از همه شریف‌تر و در میان عبادات مالی، زکات برترین آن‌ها است (میبدی، ۱/۷۵۴: ۱۳۷۱؛ امین، ۸/۱۲۷: ۱۳۶۲) و چه بسا که در کنار هم قرار گرفتن آن‌ها بیانگر این باشد که کسی که زکات را ترک می‌کند، همانند فردی قلمداد شود که نماز را ترک کرده است (اشرفی، ۱۰۵: ۱۳۸۴).

زکات در قرآن معنای عام دارد. در برخی سوره‌های مکی، زکات نه به معنای زکات واجب معمول، بلکه به معنای مطلق پاکی (مکارم شیرازی، ۱۴/۵۳۴: ۱۳۷۴؛ قرائتی، ۵/۲۵۱: ۱۳۸۸) است: «وَ حَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» (مریم/۱۳). هم‌چنین در برخی آیات، زکات به معنای مطلق انفاق مالی آمده‌است (طباطبایی، ۶/۱۲: ۱۳۷۸): «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵).

واقعیت آن‌است که پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و تأسیس بیت‌المال، پیامبر مأمور به اخذ زکات شد و نصاب و مقدار آن را بر همگان معلوم کرد (قرائتی، ۷۴: ۱۳۸۲). از این‌رو، در موارد متعددی در قرآن، زکات با توجه به سیاق و قرائن موجود در آیه به معنای زکات واجب با شرایط و احکام خاص فقهی آن است: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور/۵۶). در برخی مواضع لفظ صدقه به جای زکات واجب به کار رفته‌است. صدقه، چیزی است که انسان به قصد قربت از مالش خارج می‌کند، مثل زکات (راغب اصفهانی، ۴۸۰: ۱۴۱۲). هم‌چنان‌که در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ...» (توبه/۱۰۳)، زکات، صدقه نامیده شده‌است، چراکه صدقه پاک‌کننده است و زکات هم از تزکیه به معنای پاک کردن است (طباطبایی، ۶/۱۲: ۱۳۷۸). چراکه از یک‌سو، سبب پاکی درونی فرد ثروتمند از بخل و خساست می‌شود و از سوی دیگر، سبب پاکی نفس فقیر از حسد و بدخواهی نسبت به ثروتمندان می‌شود. هم‌چنان‌که باعث پاکی مال از برخی آلودگی‌ها و تخلیط‌ها می‌شود و مال برکت و رشد می‌یابد (اشرفی، ۱۰۴: ۱۳۸۴).

در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

(توبه/۶۰)، واژه صدقه درمورد زکات واجب به کار رفته و فهرستی از کاربردهای زکات و افراد واجد شرایط برای گرفتن آن بیان شده است:

فقیران: زکات را می توان به افرادی که دارایی لازم را برای تأمین نیازهای خود ندارند، پرداخت کرد (طباطبایی، ۹/۴۱۷: ۱۳۷۸).

افراد ناتوان: کسانی که به سبب زمین گیری، کوری و مانند این ها، توانایی رفع نیازهای مادی خود را ندارند و مستحق دریافت زکات هستند (همان).

کارگزاران زکات: کسانی هستند که در جمع و گردآوری زکات تلاش می کنند (همان: ۴۱۸). درحقیقت این افراد، فقیر نیستند و آنچه به آنها داده می شود، مزد و اجرت آنهاست (مکارم شیرازی، ۵/۸: ۱۳۷۴). از سوی دیگر، تأمین زندگی آنها، سبب می شود تا به انکار آن فکر نکنند (قرائتی، ۶۰: ۱۳۸۲).

کفار و نومسلمان که دل هایشان به سوی اسلام متمایل شود: این افراد انگیزه ای قوی برای پیش برد اهداف اسلامی و دعوت دیگران به اسلام ندارند و باید از نظر مالی تشویق شوند (مکارم شیرازی، ۵/۸: ۱۳۷۴).

بردگان: با پرداخت زکات به صاحبان آنها، می توان برای آزادی شان اقدام کرد (طباطبایی، ۹/۴۱۸: ۱۳۷۸)، که فلسفه آن، زندگی کردن آنها در میان مسلمانان و آشنایی با فرهنگ اسلام (قرائتی، ۶۰: ۱۳۸۲) و هم پایان دادن به یک عمل غیر انسانی است (مکارم شیرازی، ۵/۸: ۱۳۷۴).

بدهکاران: هم چنین زکات باید صرف پرداخت بدهی بدهکارانی شود که توانایی پرداخت بدهی خود را ندارند و آبروی آنها در خطر است (قرائتی، ۶۲: ۱۳۸۲).

در راه خدا: از دیگر کاربردهای زکات، استفاده در راهی است که سبب ترویج ارزش های دینی می شود (مکارم شیرازی، ۵/۸: ۱۳۷۴). هم چنین، می توان در جهت

رضای خدا برای ساخت اماکنی هم چون مدرسه، بیمارستان، کمک به ازدواج و دیگر کارهای عام المنفعه استفاده کرد (قرائتی، ۶۲: ۱۳۸۲).

مسافران نیازمند: سهم آخر به کسانی تعلق می گیرد که نیازمند نیستند، اما دور از وطن دچار بی پولی شده اند و جان و آبروی آنها در خطر است (مکارم شیرازی، ۵/۸: ۱۳۷۴). این فهرست نشان می دهد که هدف از تشریع حکم زکات، حمایت از محرومان جامعه (قرائتی، ۶۰: ۱۳۸۲) و حفاظت از ارزش های دینی و اخلاقی است. از این رو، افرادی که زکات پرداخت نمی کنند در ردیف کافران قرار گرفته اند: «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (فصلت/۷).

پرداخت زکات به دلیل نقش مهمی که در ایجاد همبستگی اجتماعی و نوع دوستی دارد از نشانه های حکومت صالحان معرفی شده است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...» (حج/۴۱). حکومتی که در کنار ارتباط محکم با خداوند، با مردم نیز پیوند دارد و به دنبال اصلاح جامعه و حل مشکلات اقتصادی از راه خود مردم است (مکارم شیرازی، ۱۴/۱۱۷: ۱۳۷۴؛ قرائتی، ۶/۵۲: ۱۳۸۸).

نتیجه آن که در قرآن کریم، زکات به عنوان یک فريضة مهم مالی که به طور خاص بر اموال مشخصی تعلق می گیرد، مطرح شده است. هم چنان که در یک معنای عام، شامل: اتفاق مستحبی، کمک های مالی غیرواجب و صدقاتی است که انسان به فقرا می پردازد و به طور کلی شامل هر نوع کار خیر نیز می شود (انبیاء/۷۳).

۳-۲. خمس در قرآن

در ادامه راه کارهایی که اسلام برای عدالت اقتصادی در جامعه مقرر کرده است، باید از خمس یاد کرد. خمس از جمله عبادات مالی واجب است که خداوند آن را برای رسول

خدا (ص) و ذریه‌اش قرارداده‌است (اشرفی، ۱۱۳: ۱۳۸۴). امام صادق (ع) می‌فرماید: «خدایی که جز او معبودی نیست، آنجا که خوردن صدقه را بر ما حرام کرده‌است، حکم خمس را برای ما نازل فرمود. بنابراین، صدقه بر ما حرام است. خمس تکلیفی است که خدای تعالی آن را به نفع ما بر مسلمانان واجب کرد و چون جنبه احترام دارد، خوردنش بر ما حلال است» (صدوق، ۲/۲۹۰: ۱۳۷۷).

خمس در لغت بر وزن «عنق»، پنج‌یک و یک‌پنجم است (راغب اصفهانی، ۲۹۹: ۱۴۱۲؛ قرشی، ۲/۳۰۵: ۱۳۷۱). در اصطلاح به اخراج یک‌پنجم بعضی از اموال که به مستحقان خاص آن داده می‌شود، گویند (خرمشاهی، ۱/۱۰۰۴: ۱۳۸۱). در قرآن کریم در چند آیه به وجوب خمس اشاره شده‌است که صریح‌ترین آیه در سورة مدنی انفال است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...» (انفال/۴۱)؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست‌آورید، خمس آن برای خدا، پیامبر، خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر از آن‌ها است، اگر به خدا ایمان دارید.

در این آیه که یکی از آیات پرتأکید قرآن است (انما، مِنْ شَيْءٍ، فَإِنَّ لِلَّهِ، به مسأله خمس از جنبه‌های متعددی پرداخته شده‌است. از جنبه اعتقادی، پرداخت خمس نشانه ایمان و اعتقاد فرد و از ویژگی‌های بارز مؤمنان معرفی شده‌است. از نظر اقتصادی، نحوه مصرف آن، راه‌کاری برای کاهش فقر و تعدیل ثروت است. از نظر اجتماعی، نشانه نوع‌دوستی و سبب ایجاد روحیه همکاری و همبستگی در جامعه و جلوگیری از شکاف اجتماعی و از نظر سیاسی پرداخت خمس به حاکم اسلامی، سبب ارتباط مؤثر مردم با جانشینان پیامبر (ص) می‌شود (قرائتی، ۸-۶: ۱۳۸۲). از این لحاظ پرداخت خمس، سبب تحکیم رابطه انسان با خداوند و تقویت حس مسؤولیت‌پذیری در رابطه با مردم می‌شود و انسان را از ابعاد مختلف تربیت می‌کند.

درباره وجوب خمس اختلافی میان مذاهب اسلامی نیست و همه فقهای فریقین بر وجوب خمس تأکید دارند؛ اما اختلاف بر سر مواردی است که خمس را لازم و واجب می‌کند. فقهای شیعه موارد زیر را مشمول خمس دانسته‌اند:

- غنیمت‌های جنگی

- معادن شامل طلا، نقره، و غیره

- گنج‌های زمین

- جواهری که از غواصی به دست آمده

- سود حاصل از کسب و کار

- مال حلال مخلوط به حرام

زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد (حلی، ۱۲۵-۱۲۴/۱: ۱۴۱۹؛ نجفی، ۵/۱۶: ۱۹۸۱).

اما اهل سنت قائل به پرداخت خمس در چهار مورد آخر نیستند و خمس را مختص غنیمت‌های جنگی، معادن و گنج می‌دانند (مغنیه، ۱۸۸-۱۸۶/۱: ۱۴۲۱). اما تأکید آن‌ها بیشتر بر غنیمت‌های جنگی است (طوسی، ۱۱۹-۱۱۶/۲: ۱۳۷۸). شاید از تعبیر «غَنِمْتُمْ» در آیه این تصور به وجود آمده است که خمس تنها به غنیمت‌های جنگی تعلق می‌گیرد، چنان‌که اهل سنت به آن اعتقاد دارند و آیات قبل و بعد از آیه خمس را که درباره جهاد است، دلیل می‌گیرند که مقصود، غنیمت‌های جنگی است (مکارم شیرازی، ۷/۱۷۹: ۱۳۷۴)، اما این صحیح نیست و شواهد مختلف آن را رد می‌کند. واژه «غنم» در لغت معنایی عام دارد و به معنای دست‌یافتن به چیزی است (فراهیدی، ۴/۴۲۶: ۱۴۰۹). از سوی دیگر، شأن نزول، عمومیت آیه را تخصیص نمی‌زند و به عبارت دیگر حکم، کلی است، ولی مصداق جزئی است (مکارم شیرازی، ۷/۱۸۰: ۱۳۷۴). هم‌چنان‌که روایات نیز به آن منحصر نیست و مصادیقی برای غنیمت بیان کرده‌اند

(حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹/۴۹۰). لذا، خمس بر هر سود و منفعتی که به انسان برسد، تعلق می‌گیرد (خمینی، ۱۴۲۴: ۷/۲). البته برخی از مفسران اهل سنت با آن‌که اصل معنای غنیمت را عام دانسته و آن را به سود و منفعت تفسیر کرده‌اند، اما این‌جا آن را به معنای شرعی گرفته و معتقدند که مختص غنیمت‌های جنگی است (فخر رازی، ۱۵/۴۸۴: ۱۴۲۰؛ آلوسی، ۵/۲۰۰: ۱۴۱۵؛ رشیدرضا، ۷-۱۰/۳: ۱۴۱۴).

هم‌چنین براساس آیه، خمس باید به شش سهم تقسیم شود: سهم خدا، رسول، ذی‌القربی، یتیمان، مساکین و درراه‌ماندگان. البته با توجه به این‌که برای سه سهم اول یعنی، خدا، رسول و ذی‌القربی، لام مالکیت آمده و سه سهم دیگر فاقد آن است، باید آن‌ها را شاخه‌های ذی‌القربی و نه دسته‌ای جدا دانست. از این لحاظ، فقهای شیعه مصرف خمس را در دو دسته کلی سهم امام و سهم سادات بررسی کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۹۲: ۱۳۹۲). فخر رازی درباره کیفیت تقسیم غنیمت‌های جنگی دو دیدگاه مطرح می‌کند:

نخست آن‌که، خمس به پنج سهم تقسیم می‌شود: سهمی برای رسول خدا (ص)، سهمی برای خویشاوندان ایشان از نسل بنی‌هاشم و بنی‌المطلب و سه سهم دیگر نیز متعلق به یتیمان و مسکینان و درراه‌ماندگان از نسل بنی‌هاشم و عبدالمطلب است.

فخر رازی پس از آن‌که این قول را به عنوان قول مشهور بیان می‌کند، به اقوال فقهای اهل سنت اشاره می‌کند. بر اساس قول شافعی، خمس به پنج سهم تقسیم می‌شود: سهم رسول خدا (ص) که هرگونه که بخواهد در مصالح مسلمانان مصرف می‌کند؛ مانند پرورش جنگ‌جویان و تهیه اسلحه و سازوبرگ نظامی، سهم خویشاوندان ایشان از فقرا و ثروتمندان که مانند ارث اموال به فرزندان پسر دو برابر فرزندان دختر داده می‌شود و باقی‌مانده آن بین گروه‌های سه‌گانه یعنی یتیمان، مستمندان و درراه‌ماندگان تقسیم می‌شود. ابوحنیفه نیز معتقد است که سهم رسول خدا (ص) با مرگش

بررسی تطبیقی عبادات مالی در قرآن و عهدین: مطالعه موردی زکات و خمس / اکبری ۳۱۷

تمام می‌شود و سهم ذوالقربی نیز مبتنی بر حضور ایشان است، اما باقی مانده بین فقرای سادات و یتیمان و مستمندان آن‌ها توزیع می‌شود و به ثروتمندان آن‌ها نمی‌رسد. مالک، پیشوای مذهب مالکی نیز تقسیم خمس را موکول به رأی امام می‌کند تا هرگونه که بخواهد عمل کند (فخر رازی، ۴۸۵-۴۸۴/۱۵: ۱۴۲۰).

دیدگاه دیگر نظر ابوالعالیه است که معتقد است که خمس غنیمت به شش قسمت تقسیم می‌شود: یک قسمت متعلق به خدا، یک قسمت سهم رسول خدا (ص)، یک قسمت سهم نزدیکان و سه قسمت باقی مانده به یتیمان، مساکین و ابن السبیل تعلق می‌گیرد (همان: ۴۸۵).

البته فخر رازی به قول شافعی متمایل شده و آن را مشهور و مطابق با مضمون آیه دانسته است (همان: ۴۸۴).

نکته پایانی این بخش درباره تعبیری است با عنوان عشریه که در میان فرقه صوفیه رواج دارد و به مالیات یک‌دهم، اطلاق می‌شود (ابن اثیر، ۲۳۹/۳: ۱۳۶۷). جست‌وجوی این مفهوم در منابع اسلامی بیانگر آن است که در کتاب و سنت هیچ دستور و توصیه‌ای درخصوص پرداخت عشریه وجود ندارد و قطعاً بدعتی در اسلام است. یکی از بزرگان صوفیه، ملاحسین گنابادی، عشریه را مکفی از خمس و زکات دانسته است (تابنده گنابادی، ۳۶-۳۷: ۱۳۶۳) که مخالف با فتوای علمای شیعه است و ظاهراً از دین یهود گرفته شده است.

۴-۲. زکات و خمس در عهد قدیم

باتوجه به آیات متعدد قرآن کریم درخصوص ادیان گذشته، در کنار ایمان و اعتقادات، بر عبادات مالی نیز تأکید شده است: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ...» (بینه/۵).

در زبان عبری دو واژه صداقا و عُشریه بر زکات دلالت دارد (اشرفی، ۹۷: ۱۳۸۴). صداقا مشتق از صدقه به معنای عدل است و عدل، رساندن هر صاحب حق به استحقاقش و اعطای حق هر موجودی برحسب استحقاقش است (ابن میمون، ۳/۷۱۳: ۱۹۷۲). این کلمه در دین یهود به معنای مساعدت و کمک نقدی به فقرا به کار رفته است (کهن، ۲۳۹: ۱۳۵۰) و عُشریه بر یک دهم از اموال گفته می شود.

تأکید بر پرداخت های مالی به گونه های مختلف در تورات بیان شده است. گاهی سخن از پرداخت سهمی از غنیمت های جنگی است: «تو و العازار کاهن و سران خاندان های جماعت، حساب غنایمی را که به دست آمده است، خواه انسان و خواه چهارپا، بگیری و غنایم را به دو نیم، میان کسانی که در جنگ شرکت کرده، برای نبرد بیرون رفتند و تمامی جماعت تقسیم کنید. برای خداوند از مردان جنگی که برای نبرد بیرون رفتند، سهمیه بگیر، یکی از هر پانصد، از انسان، از گاوان، از الاغان و از گله. این را از نیم متعلق به ایشان بگیر و به العازار کاهن به عنوان هدیه برای خداوند بده. اما از نیم بنی اسرائیل، یکی از هر پنجاه بگیر، از انسان و از گاوان و از الاغان و از گله، از تمامی چارپایان و آن ها را به لاویان بده که عهده دار امور مسکن خداوندند» (اعداد ۳۱-۲۶).

این تعبیر نشان می دهد که یهودیان از غنیمت های جنگی مبلغی را می پرداختند. در ادامه آمده است: «سهم خداوند از گوسفند شصت و هفتاد و پنج رأس بود و گاوان سی و شش هزار بود و از آن ها سهم خداوند هفتاد و دو رأس بود و الاغ ها سی هزار و پانصد و از آن ها زکات خداوند شصت و یک رأس بود و مردان شانزده هزار و از ایشان زکات خداوند سی و دو نفر بودند و موسی زکات را که هدیه افراشتنی خداوند بود، به العازار کاهن داد، چنان که خداوند به موسی امر فرموده بود» (اعداد ۴۱-۷: ۳۱: ۳).

در باب‌هایی از عهدین به زکات محصولات کشاورزی و کاربردهای آن تأکید شده است. در سفر لاویان آمده است: «چون حاصل زمین خود را درومی‌کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تمام‌نکنید، محصول خود را خوشه‌چینی‌مکنید و تاکستان خود را دانه‌چینی‌منما و خوشه‌های ریخته‌شده تاکستان خود را برمچین، آن‌ها را برای فقیر و غریب بگذارید» (لاویان ۱۰-۹: ۱۹) و نیز آمده است: «چون محصول زمین خود را دروکنید، گوشه‌های مزرعه خود را تماماً درومکن و حصاد خود را خوشه چینی‌منما و آن‌ها را برای فقیر و غریب بگذار. من یهوه خدای شما هستم» (لاویان ۲۳: ۲۲).

در سفر تثئیه کاربردهای دیگری بیان شده است: «چون محصول خود را در مزرعه خویش دروکنی و در مزرعه، بافه فراموش‌کنی، برای برداشتن آن برمگرد. برای غریب و یتیم و بیوه‌زنان باشد تا یهوه خدایت تو را در همه کارهای دستت برکت دهد. چون زیتون خود را بتکانی بار دیگر شاخه‌ها را متکان، برای غریب و یتیم و بیوه باشد. چون انگور تاکستان خود را بچینی بار دیگر آن را مچین، برای غریب و یتیم و بیوه باشد» (تثنیه ۲۱-۱۹: ۲۵).

از این فقرات برمی‌آید که باید بخشی از محصول در زمان چیدن و برداشت، برای اقشار فقیر، غریب، یتیم و بیوه زنان بماند. امری که در قرآن کریم نیز تأکید شده است: «... کُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...» (انعام/ ۱۴۱)

هم‌چنین، براساس متن کتاب مقدس، کشاورزان باید یک‌دهم دستاورد و درآمد یک‌سال را به‌عنوان عشریه پرداخت‌کنند. عشریه این‌گونه معرفی شده است: «از تمام محصولاتان هر ساله باید یک‌دهم را کنار بگذارید. این عشریه را بیاورید تا در محلی که خداوند خدایتان به‌عنوان عبادتگاه خود انتخاب می‌کند، به‌قدی دور باشد که به

راحتی نتوانید عشریه‌های خود را به آنجا حمل کنید. آنگاه می‌توانید عشریه محصولات و رمه‌هایتان را بفروشید و پولش را به عبادتگاه خداوند ببرید» (تثنیه ۲۴-۲۲: ۱۴).

در دستوری که خدا به موسی (ع) در کوه طور می‌دهد، می‌فرماید: «ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه از آن خداوند است. اگر کسی بخواهد این میوه یا غله را بازخرد کند باید یک پنجم به قیمت اصل آن اضافه نماید. ده یک گله و رمه از آن خداوند است. وقتی حیوانات شمرده می‌شوند، هر دهمین حیوانات متعلق به خداوند است» (لاویان ۳۲-۳۰: ۲۷).

هم‌چنین، آمده است: «در آخر هر سه سال باید عشریه تمام محصولات خود را در شهر خود جمع کنید تا آن را به لاوی‌ها که در میان شما ملکی ندارند و هم‌چنین غریبان و یتیمان داخل شهرتان بدهید تا بخورند و سیر شوند و آنگاه خداوند خدایتان شما را در کارهایتان برکت خواهد داد» (تثنیه ۲۹-۲۵: ۱۴).

دادن عشر اموال رسم دیرینه‌ای در یهود بوده است و پیشینه انجام این عمل به حضرت ابراهیم (ع) و نیز یعقوب (ع) برمی‌گردد: «و یعقوب قسم خورد که اگر به سلامت به خانه پدرش بازگردد، خداوند (یهوه) را برابر و موسس خود خواهد شناخت و ده قسمت از هر چه دارد، به او خواهد داد» (پیدایش ۲۲-۲۰: ۲۸).

سپس، در زمان حضرت موسی (ع) گرفتن عشر برای بنی اسرائیل الزام‌آور شد و هر نوع محصول کشاورزی و دامی را شامل می‌شد. عشر محصولات کشاورزی، متعلق به خداوند و مقدس بود، اما می‌توانستند با اضافه کردن یک پنجم همان مقدار به آن، آن را آزاد کنند. در این حالت، مال از حالت مقدس بودن خارج و قابل فروش می‌شد (دایره المعارف یهود، مدخل زکات، (۱۲/۱۵۰) یعنی صاحب محصول می‌توانست در عوض آن، مقدار مشخص شده‌ای را به عنوان غرامت بدهد.

ولی عشر دام‌ها، قابل خرید و فروش نبود و اگر یک حیوان با حیوان دیگر جای گزین می‌شد، هر دوی آن‌ها برای خداوند، مقدس می‌ماند (همان). نحوه تعیین عشر در مورد دام‌ها نشان می‌دهد که «آن‌ها به صورت تکی شمارش می‌شدند و هر دهمین حیوان که زیر چوب قرار می‌گرفت، حیوان عشر محسوب می‌گردید» (لاویان ۳۳-۳۰: ۲۷).

به نظر می‌رسد که بین کتاب اعداد و کتاب تثنیه در مورد موضوع عشر اختلاف وجود دارد. در اعداد، فصل ۱۸، آیات ۲۱ تا ۲۶، گفته شده است که تمام عشر در اسرائیل به لاویان به عنوان میراث داده می‌شود؛ زیرا آن‌ها در زمین سهمی ندارند و عشر باید منبع اصلی معیشت آنان باشد. ازسوی دیگر، خود لاویان موظف بودند که از تمامی عشراتی که دریافت می‌کردند، یک‌دهم آن را به کاهنان بدهند. اما در تثنیه، فصل ۱۴، آیات ۲۲ تا ۲۹، تنها درآمد سالانه از محصول زمین باید در شهری که معبد در آن ساخته شده، مصرف می‌شد و اگر مسیر به چنین شهری به قدری دور بود که حمل و نقل تمام این عشرات غیرعملی بود، مردم می‌توانستند عشر را به صورت پول تبدیل کنند و مبلغ را در همان شهر برای خرید خوراک و مایحتاج دیگر خرج کنند (دایره المعارف یهود، مدخل زکات، ۱۲/۱۵۰) در سال سوم هر دوره هفت‌ساله، نباید عشر به شهر معبد برده شود، بلکه باید در خانه نگهداری شود، یعنی «در دروازه‌های تو و لاوی، غریبه، یتیم و بیوه باید آن را بخورند و سیر شوند» (تثنیه ۲۹: ۱۴).

هم‌چنین، این‌گونه بوده است که در سال هفتم اجازه گرفتن عشر نداشتند، چون سال استراحت بود، اما عشرهای سال‌های اول، دوم، چهارم و پنجم هر دوره هفت‌ساله باید به معبد آورده و به دست مالک زمین و خانواده‌اش در آنجا مصرف می‌شد، درحالی که عشر سال سوم و ششم باید در خانه باقی‌ماند و صرف نیازمندان، فقرا و نیازهای عمومی شود (دایره المعارف یهود، مدخل زکات، ۱۲/۱۵۱).

درواقع سال سوم، سال عشریه‌گیری نام‌گرفته بود و پس از تقسیم عشر میان لاویان و دیگران، مالکان زمین موظف بودند که علناً و باحضور در برابر خداوند اعلام کنند که تمامی قوانین مربوط به آن را رعایت کرده‌اند و این اعلام را با دعای برکت برای خداوند به پایان برسانند. هم‌چنین، افراد عزادار اجازه نداشتند از عشریه بخورند، آن را برای کاربردهای ناپسند یا نامناسب استفاده کنند و یا در مراسم مربوط به مردگان از آن بهره‌برند (تثنیه: ۱۲-۱۵: ۱۴).

روند و تحول نظام پرداخت عشریه در تاریخ بنی اسرائیل به این صورت بوده است که ساموئیل به بنی اسرائیل اعلام کرده بود که باید یک‌دهم از تمامی دارایی‌هایشان را به پادشاه بپردازند. سال‌ها بعد که بنی اسرائیل به بت پرستی روی آوردند، عشریه‌ها هم چنان جمع‌آوری می‌شد، اما دیگر به معابد یهودی‌ها نمی‌رسید، بلکه به معابد بت‌ها می‌رفت و روش مصرف آن نیز تغییر یافته بود. در دوره‌های بعد، پادشاه حزقیل بار دیگر این وظیفه را بر مردم گذاشت و عشریه‌های جمع‌شده آن‌ها برای تأمین مخارج لاویان صرف می‌شد. حجم این عشریه‌ها چنان زیاد شد که پادشاه دستور ساخت اتاق‌های خاص در معبد داد تا همه این عشریه‌ها در آن نگهداری شود (تثنیه ۶-۱۲: ۳۱). نحما نیز همین روش را در زمان خود پیگیری کرد و ساختار جمع‌آوری و نگهداری عشریه‌ها را حفظ کرد (نحمیا ۱۳: ۱۰ و ۳۹) (دایره‌المعارف یهود، مدخل زکات، ۱۲/۱۵۲).

مطابق تفسیر علمای یهودی از متن تورات، کتاب‌های اعداد و تثنیه مکمل یکدیگراند و بین آن‌ها تضادی وجود ندارد. بر این اساس، سه نوع عشریه وجود داشته است:

یک. عشریه اول که به لاویان داده می‌شد، همان‌طور که در اعداد آمده است.

دو. عشریه دوم که باید به معبد برده و در آن جا مصرف می‌شد.

سه. عشریه فقیران که به نیازمندان داده می‌شد.

بنابراین، در هر سال، به جز سال هفتم، دو نوع عشریه گرفته می‌شد:

در سال‌های اول، دوم، چهارم و پنجم، عشریه‌های یک و دو داده می‌شد.

در سال‌های سوم و ششم، عشریه‌های یک و سه داده می‌شد.

علمای یهود از کتاب تنبیه استنباط کردند که هر عشریه باید جداگانه از محصول هر سال گرفته شود، چه محصول‌های زراعی، چه دام‌ها، یا هر چیز دیگری که مشمول عشریه باشد. هم‌چنین، آنان روز معینی را مقرر کردند تا آغاز سال عشریه‌گیری مشخص شود. برداشتن عشریه و قرائت اعتراف‌نامه باید در شب عید فصح در سال‌های چهارم و هفتم هر دوره هفت‌ساله انجام شود. اگرچه در متن تنها به عشریه فقرا اشاره شده است، علمای یهود نتیجه گرفتند که باید دیگر عشریه‌ها هم در همان زمان برداشته شود (همان).

علمای یهود قوانین زیر را برای تمایز محصولات مشمول عشریه تعیین کردند:

باید قابل خوردن باشد.

متعلق به فرد باشد.

و محصول از زمین باشد.

میوه باید رسیده باشد تا بتوان آن را خورد و اگر کسی میوه نارس و بدون عشریه را بخورد، گناه‌نکرده است (همان).

۲-۵. زکات و خمس در عهد جدید

براساس آیات عهد جدید، حضرت عیسی (ع) توجه به محرومان را اساس کار خود قرار داده بود؛ از شفای جذامیان سامری (متی ۴: ۸-۲؛ لوقا ۲۲-۲۰: ۷ و ۱۹-۱۱: ۱۷)

و شفای بیماران مختلف اعم از فلج، کور، لنگ، ناشنوا و دیوانگان (لوقا ۲۲-۲۰: ۷) گرفته تا خدمت به فقرا و آزادسازی بردگان: «روح خدا بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه دهم و تا کوبیدگان را آزاد سازم» (لوقا ۱۸-۱۹: ۴). در کتاب مقدس از ثروت اندوزی نهی و توجه به فقرا توصیه شده است: «مسیحیان نباید به اموال خود به عنوان ثروت و امنیت شخصی خویش نگاه کنند، بلکه باید ثروتشان را برای استفاده در راه ملکوت خدا و پیش برد اهداف مسیح بر روی زمین و برای نجات و رفع نیازهای دیگران به دستان خدا بسپارند. بنابراین، آنانی که صاحب ثروت و اموال مادی هستند باید خود را ناظر آنچه به خدا تعلق دارد، ببینند» (لوقا ۴۱-۳۸: ۱۲) و ثروتمند واقعی کسی دانسته شده که «از چیزهای دنیوی، با اعتماد به خدا به عنوان پدر آسمانی شان که آن ها را هیچ گاه فراموش نمی کند، آزاد باشد» (عبرانیان ۶-۵: ۱۳).

در عهد جدید لفظ خاصی برای کمک مالی نیامده است و در ترجمه ها از واژه های صدقه، کمک به فقرا و بخشش مال استفاده شده است. هم چنین، دلیل بر این که این کار واجب و الزام آور باشد، نیست: «کسی را مجبور نکنید که بیش از آنچه قلباً در نظر دارد، بدهد، بلکه بگذارید همان قدر که مایل است، بپردازد. زیرا خدا کسی را دوست دارد که از روی میل کمک کند» (دوم قرنتیان ۸: ۹).

اما تأکید زیادی به آن در کنار ایمان به خداوند و عدالت شده است: «وای بر شما ای فریسی ها! هر چند با دقت کامل یک دهم تمام درآمدها را در راه خدا می دهید، اما عدالت و محبت خدا را به کلی فراموش کرده اید. یک دهم درآمد را باید داد، اما عدالت و محبت خدا را نیز نباید فراموش کرد» (لوقا ۱۱: ۴۲).

حضرت عیسی (ع) قوم و پیروان خود را به بخشش مال و صدقه به نیازمندان تشویق می‌کرد و توصیه می‌کرد که این صدقات در نهان انجام گیرد و حالت ربایی نداشته باشد: «مراقب باشید که اعمال نیک خود را پیش مردم به جا نیاورید، به این قصد که شما را ببینند و تحسین کنند، زیرا در این صورت نزد پدر آسمانی تان پاداشی نخواهید داشت. هرگاه به فقیری کمک می‌کنی، در هر محفلی درباره آن داد سخن نده» (متی ۴-۱: ۶). در کتاب مقدس توجه به کمک به فقرا و بخشش مال از مقدار آن مهم تر دانسته شده است: «مقدار کمک مهم نیست، اما علاقه و توجه شما به این امر برای خدا اهمیت دارد» (دوم قرنتیان ۸: ۱۲).

هم چنین، تأکید شده که شخص توانگر باید به اندازه ای ببخشد که تا با آن‌ها هم سطح شود: «به گونه ای به یکدیگر کمک کنید که همه به یک اندازه و یکسان داشته باشید» (دوم قرنتیان ۸: ۱۳).

هر چند زمان خاصی در سال، ماه یا هفته برای پرداخت صدقه و کمک مقرر نشده، ولی پولس در نامه به قرنتیان، جمع آوری کمک‌ها را در روز یکشنبه قرار می‌دهد و شاید علت آن، جمع شدن مؤمنان برای دعا و عبادت در کلیسا باشد (اشرفی، ۱۰۳: ۱۳۸۴). در نامه اول قرنتیان آمده است: «در نخستین روز هفته یعنی یکشنبه، هر یک از شما به نسبت درآمدی که داشته‌اید، مبلغی را برای این کار کنار بگذارید. برای جمع آوری آن منتظر آمدن من نباشید» (اول قرنتیان ۲: ۱۶).

۲-۶. شباهت‌های زکات و خمس در قرآن و عهدین

عبادات مالی در ادیان الهی گذشته با شرایط و اشکال مختلف وجود داشته است و از ابداعات اسلام نیست و از مشترکات ادیان است. دنیز ماسون^۱ نیز تشابه زکات اسلامی

1. Denise Masson (1901-1944)

با عشریه یهودی‌ها را در سه ویژگی آن‌ها ذکر می‌کند: وجوب دینی، ترکیه و پاکسازی اموال با دادن زکات و سرانجام، نیت مؤمنان در شکرگزاری از آفریدگارشان (ماسون، ۷۴۴-۷۴۳: ۱۳۸۹). از این لحاظ، آیات و فراهای کتاب مقدس در زمینه زکات را می‌توان همسو با آیات قرآن (توبه/۶۰؛ انفال/۴۱) دانست. برخی از اشتراکات بدین قرار است:

۲-۶-۱. فلسفه تشریع زکات و خمس

فلسفه تشریع زکات در ادیان الهی، رشد معنوی و سرانجام، قرارگرفتن در مسیر هدف نهایی خلقت است. آیات قرآن با تعابیر مختلف به این مطلب دلالت دارد: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ» (روم/۳۸): و آنچه به قصد ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد؛ ولی آنچه را از زکات، درحالی‌که خشنودی خدا را خواستارید، دادید، پس آنان همان فزونی‌یافتگان‌اند.

بنابراین زکات، علاوه بر فقرزدایی، یک هدف اصلی و اولی دارد و آن رشد معنوی افراد و رسیدن به خشنودی و رضای الهی است. در عهد قدیم نیز تعابیر مشابه وجود دارد...: چه از انسان و چه از گاو و چه از الاغ و چه از گوسفند از قسمت ایشان بگیر و به العازار کاهن بده تا هدیه افراشتنی برای خداوند باشد...» (اعداد ۳۱: ۲۸).

از این لحاظ، گیرنده اصلی زکات، خداوند است و وسیله‌ای برای نزدیکی و تقرب به اوست. در کلام حضرت عیسی (ع) یکی از شرایط ورود به ملکوت، برطرف کردن نیازهای مردم، از قبیل: گرسنگی، تشنگی، برهنگی، سرپناه‌دادن و عیادت از مریض و دیدار زندانیان است (متی ۳۴-۲۵: ۴۱).

۲-۶-۲. کارکرد زکات و خمس

در عهد قدیم، کارکرد زکات، برکت و فزونی در مال بیان شده است. این تعبیر در تورات (تثنیه ۱۹-۲۱: ۲۵) با آیه ۳۸ روم همسو است که می‌فرماید: «... وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم/۳۸)؛ ولی آنچه را از زکات، درحالی که خشنودی خدا را خواستارید، دادید، پس آنان همان فزونی‌یافتگان‌اند.

این معنا در سخن وحی‌گونه امام علی (ع) نیز بیان شده است: «الْبَرَكَةُ فِي مَالٍ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَ... برکت در مال کسی است که زکات بپردازد...» (حرانی، ۱۷۲: ۱۴۰۴). در آیه ۱۰۳ سوره توبه نیز صدقه عامل پاکی روح و رشد فضایل اخلاقی معرفی شده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ...». در عهد جدید، صدقه و زکات سبب پاکی و طهارت دانسته شده است. در انجیل لوقا، حضرت عیسی (ع) به فریسیان امر می‌کند: «از آنچه دارید صدقه دهید که اینک همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت» (لوقا ۱۱: ۴۱).

۲-۶-۳. توجه به حق فقرا و تهی‌دستان از محصولات کشاورزی

تورات و قرآن هر دو زکات را سهم مستمندان و فقرای جامعه می‌دانند. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰).

در سفر لاویان آمده است: «چون حاصل زمین خود را درومی‌کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تمام نکنید... آن‌ها را برای فقیر و غریب بگذارید» (لاویان ۱۹: ۱۰). همین مضمون در مواضع دیگری نیز بیان شده است (لاویان ۲۳: ۲۲).

در این متن از کتاب مقدس و تعبیر تشابه تأکید شده است تا قسمتی از محصولات کشاورزی به اقشار فقیر، غریب، یتیم و بیوه‌زنان داده شود که بسیار به محتوای آیه ۶۰ سورة توبه نزدیک است. همچنین، در آیه «... وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...» (انعام/۱۴۱)، (و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری آن بدهید) پس از نام‌بردن از مجموعه‌ای از میوه‌ها، حق فقرا را در هنگام برداشت محصول یادآوری می‌کند. برخی مفسران این حق را حق ثابت و صدقه واجب یعنی زکات دانسته‌اند (طباطبایی، ۷/۲۲۷: ۱۳۷۸؛ طبرسی، ۴/۵۷۸: ۱۳۷۲). هم‌چنان‌که تعدادی از آن‌ها بر صدقه مستحب تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۶/۲۰۴: ۱۳۷۴؛ طبری، ۴۶-۸/۴۰: ۱۴۱۲).

۲-۶-۴. نیکوکاری پنهانی و مخفیانه

در ادیان به کمک‌های پنهانی و به‌دور از ریا توصیه شده است. مسیح (ع) از قومش انتظار داشت که سخاوتمندانه به فقرا و نیازمندان کمک‌کنند و بهتر است این صدقات در نهان انجام‌گیرد و حالت ریایی نداشته باشد (متی ۴-۶: ۱).

این فراز از کتاب مقدس با تعدادی از آیات قرآن کریم (بقره/۲۷۱؛ فاطر/۲۹) همسو است: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...» (بقره/۲۷۱)؛ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، کاری نیکو است و اگر آن‌ها را پنهان دارید و به تهی‌دستان دهید برای شما بهتر است.

در اسلام، انفاق سَرِّی و آشکار هر دو تحسین شده است، با این تفاوت که در انفاق پنهان، خلوص آدمی رشد می‌کند و در انفاق آشکار، مردم تشویق می‌شوند (قرائتی، ۷/۴۹۷: ۱۳۸۸). البته از تعبیر «خَيْرٌ لَكُمْ» برمی‌آید که صدقه پنهانی بر آشکار برتری دارد.

۷-۲. تفاوت‌های زکات و خمس در قرآن و عهدین

برخی از تفاوت‌های عبادات مالی زکات در قرآن و عهدین به شرح زیر است:

۷-۲-۱. حکم زکات و خمس

زکات و خمس در اسلام به عنوان یک فریضة دینی و عبادتی واجب است که به ترتیب باید از دارایی‌های مشخص و درآمد سالیانه پرداخت شود. براساس آیات قرآن کریم، کسی که زکات نمی‌دهد، در ردیف کافران قرار می‌گیرد (فصلت/۷). حتی اگر حکومت اسلامی از شخص، یا اشخاصی، زکات مطالبه‌کند و آن‌ها در برابر حکومت، ایستادگی کنند، مرتد محسوب می‌شوند و در صورتی که اندرز سودن دهد، حکومت می‌تواند با آن‌ها پیکار کند (مکارم شیرازی، ۸/۱۱: ۱۳۷۴).

براساس متن تورات نیز زکات یک امر واجب بوده است که در کاربرد، قوانین و توزیع، فرق زیادی با حکم اسلامی دارد، اما در عهد جدید، زکات و صدقه یک حکم اخلاقی و غیر واجب است که البته به آن بسیار تأکید شده است.

۷-۲-۲. کاربردهای زکات و خمس

در اسلام کاربردها موارد مصرف زکات، شامل: فقیران، افراد ناتوان، بدهکاران، بردگان، مسافران نیازمند و کارگزاران می‌شود و علما و مقامات دینی در آن سهمی ندارند؛ اما در تورات علما و کاهنان یهودی نیز از زکات بهره‌مندی شوند به گونه‌ای که زکات سال‌های اول، دوم، چهارم و پنجم از دوره هفت‌ساله زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد و در سال‌های سوم و ششم از دوره هفت‌ساله، بین فقیران، یتیمان، بیوه‌زنان و مسافران تقسیم می‌شود.

۲-۷-۳. قوانین پرداخت

براساس متن تورات، در زمان پرداخت نرخ محصولات، فرد زکات دهنده باید به علاوه زکات فرض شده، یک پنجم دیگر نیز بپردازد و همچنین، نمی تواند قیمت گوسفند و دام را پرداخت کند. اما در اسلام، اگر شخص تمایل داشته باشد که هزینه محصولات را بپردازد، هیچ افزودنی بر آن لازم نیست و درباره دام و گوسفند، قیمت آنها قابل پرداخت است. همچنین، همان طور که پیش تر گذشت، زکات دوره ای است و در سال هفتم نیز گرفتن زکات ممنوع است و سال استراحت است. در عهد جدید نیز به زمان خاصی اشاره نشده است و تنها در نامه اول قرنتیان، روز یکشنبه زمان جمع آوری صدقه اعلام شده است.

۲-۷-۴. توزیع زکات

در اسلام، توزیع زکات چنین است که افراد دهنده زکات، این اموال را جدا می کنند و به مستحقان و دیگر افراد مصرف کننده آن می دهند، بدون این که آنها درخواست کنند. اگرهم در قرآن توصیه شده که کشاورزان حق محرومان را از محصولات کشاورزی بدهند، باید گفت در این که این حکم واجب باشد و بر زکات واجب دلالت داشته باشد، میان مفسران اختلاف است و بیشتر مفسران آن را زکات غیر واجب دانسته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷/۵۰۰). دیگر آن که این گونه نیست که کشاورزان محصول را در زمین رها کنند تا آنها خود بیابند و جمع کنند، بلکه از تعبیر «وَأَتُوا» برمی آید که مقصود دادن و پرداختن به آنها است نه رها کردن. بنابراین، شأن آنها حفظ می شود. اما همچنان که در برخی از فقرات تورات آمده است به کشاورزان توصیه شده است که بخشی از محصول را درو نکنند و برای نیازمندان کنار بگذارند که خود این بیشتر به فقر و در یوزگی دامن می زند و به سختی و رنج آنها می افزاید.

۳- نتیجه گیری

با بررسی آیات قرآن و کتاب مقدس نتایج زیر به دست آمد:

۱- معلوم شد که عبادات مالی از مشترکات ادیان الهی است و در حد یک توصیه و سفارش اخلاقی نیست که فقط مردم را به انجام کار نیک تشویق کرده باشد، بلکه فریضه‌ای الهی و امری واجب است. در قرآن کریم از این واجب الهی، تعبیر به خمس و زکات شده و در عهد قدیم، زکات و عشریه عنوان مالی است که از مردم گرفته می‌شود. در عهد جدید، بر صدقه به فقرا و بخشش مال، توصیه و توجه جدی شده است.

۲- از منظر قرآن کریم و عهدین، فلسفه تشریع خمس و زکات، نزدیکی به خداوند و تقرب به درگاه الهی است و از این لحاظ، پاداش بسیاری برای انجام‌دهنده آن وجود دارد، هم‌چنان‌که اهداف مختلف عبادی، اخلاقی و اجتماعی را نیز دنبال می‌کند.

۳- مصرف خمس و زکات در قرآن کریم تبیین شده است. زکات باید برای فقرا و در راه‌ماندگان، آزادی بردگان، عاملان زکات و به‌طور کلی در راه خداوند هزینه شود و خمس که از آن با عنوان سهمین هم یاد می‌شود، باید به دو سهم امام و سادات فقیر برسد.

۴- نحوه مصرف زکات در تورات به‌گونه دیگری آمده است. زکات سال‌های اول، دوم، چهارم و پنجم از دوره هفت‌ساله، سهم لاویان و کاهنان است و در سال‌های سوم و ششم از دوره هفت ساله، سهم فقیران، بیوه زنان، یتیمان و مسافران است. در عهد جدید نیز صدقه و بخشش مال در هر زمانی باید به افراد مستحق و نیازمند تعلق بگیرد و بهتر است که در خفا و پنهانی انجام شود. هم‌چنین، شخص توانگر باید به اندازه‌ای کمک‌کند که همه در سطح مساوی قرار گیرند.

۵- این تحلیل نشان می‌دهد که فریضه‌های مالی در ادیان ابراهیمی، از یک سو، ساختاری مشترک در اصول و اهداف دارند و از سوی دیگر، تفاوت‌هایی در میزان و کاربرد دارند و به لحاظ تاریخی نیز تفاوت‌هایی در نحوه اجرا مشاهده می‌شود؛ ولی همگی بر محور حمایت از فقرا، ترویج عدالت اجتماعی و تقرب به خداوند استوارند.

کتابنامه

- قرآن کریم
- کتاب مقدس (کتب عهد عتیق و عهد جدید)، (۱۹۰۴)، ترجمه شده از زبان‌های عبری، کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، جلد ۵، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، جلد ۳، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۹۷۹)، معجم مقاییس اللغة، محقق/مصحح: عبدالسلام محمد هارون، جلد ۳، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، جلد ۳ و ۱۴، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.
- ابن میمون، موسی، (۱۹۷۲)، دلاله الحائرین، مصحح حسین آتای، جلد ۳، چاپ اول، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- آزهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، جلد ۲، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اشرفی، عباس، (۱۳۸۴)، عبادات در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
- امین، مجتهد، (۱۳۶۲)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، جلد ۸، چاپ اول، اصفهان: انجمن حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان.

بررسی تطبیقی عبادات مالی در قرآن و عهدین: مطالعه موردی زکات و خمس / اکبری ۳۳۳

ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، فقه پژوهی قرآن درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.

تابنده گنابادی، سلطان حسین، (۱۳۶۳)، رساله رفع شبهات، چاپ اول، تهران، کتابخانه حسینیة امیر سلیمانی.

حاج شیخی، امیر، (۱۳۸۹)، کلیات خمس با بررسی تحلیلی خمس ارباح مکاسب، چاپ اول، تهران، راز نهان.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۶ و ۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت.

حسینی، فاطمه، (۱۴۰۱)، «عبادات یهودیت درمقایسه با عبادات اسلام»، دوفصلنامه کلام حکمت، سال پنجم، شماره ۹، ص ۶۸-۷۴.

حلی، یوسف بن علی بن مطهر، (۱۴۱۹)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، مترجم ابوالحسن شعرانی، جلد ۱، بی جا، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۸)، درسنامه نهج البلاغه، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف.

خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۸۱)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دوستان و ناهید.

خمینی، سیدروح الله، (۱۴۲۴)، توضیح المسائل، تحقیق و تصحیح سید محمدحسن بنی هاشمی، جلد ۲، بی جا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالقلم.

رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴)، المنار، جلد ۱۰، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.

زبیدی، محمد، (۱۴۱۴)، تاج العروس، جلد ۱۹، چاپ اول، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

سادات سجادی، مریم، (۱۴۰۲)، «نقد و بررسی انگاره اقتباس زکات از تورات»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اسلامی معاصر، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱۳۹-۱۴۹.

سیاشی ارانی، سکینه، مفتاح، احمدرضا، (۱۳۹۱)، «جایگاه عبادت در قرآن و عهد عتیق»، فصلنامه علمی- پژوهشی معرفت/دیان، سال چهارم، شماره ۱، ص ۲۷-۴۴.

شاخت، جوزف، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر حقوق اسلامی، ترجمه محمدعلی مرادی بنی و احمد رضا خواجه فرد، چاپ اول، تهران، دادگستر.

صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۷)، خصال، جلد ۲، چاپ اول، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۶، ۷ و ۹، چاپ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، جلد ۴، چاپ اول، انتشارات ناصر خسرو.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۸، بی‌جا، بیروت، دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۸)، کتاب الخلاف، جلد ۲، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

فاضل لنکرانی، محمدجواد، (۱۳۹۲)، خمس، انفال و فیه در قرآن کریم، تنظیم سیدجواد حسینی‌خواه، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، جلد ۴، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، جلد ۱۵، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

قزائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، جلد ۳، ۵، ۶ و ۷، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

_____، (۱۳۸۲)، خمس و زکات، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، جلد ۲، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
کهن، ابراهام، (۱۳۵۰)، گنجینه‌ای از تلمود، چاپ اول، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، زیبا.
ماسون، دنیز، (۱۳۸۹)، قرآن و کتاب مقدس (درون‌مایه‌های مشترک)، چاپ دوم، مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران، سهروردی.

بررسی تطبیقی عبادات مالی در قرآن و عهدین: مطالعه موردی زکات و خمس / اکبری ۳۳۵

- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهارم، تهران، انتشارات صدرا.
- _____، (۱۳۸۵)، کلیات علوم اسلامی، چاپ سوم، تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۱)، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ اول، بیروت، دارالتیاری.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، جلد ۶، ۷، ۸ و ۱۴، چاپ سی و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱)، جواهر الکلام، جلد ۱۶، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مونتگمری وات، ویلیام، (بی‌تا)، محمد در مدینه، ترجمه شیخ برکات، چاپ اول، بیروت، منشورات المكتبة العصرية.

Jewish Encyclopedia, <https://www.jewishencyclopedia.com>

Bibliography

- Holy Bible (Old and New Testaments), translated from Hebrew, Chaldean, and Greek, published in 1904 by the Society for the Distribution of Sacred Books. [In Persian]
- Ibn Aṭīr; Maḥrūk ibn Muḥammad (1367 AH). Al-Nihāyah fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athār [The End in Rare Hadith and Traditions], Qom: Ismā'īlī Publishing Foundation. [In Arabic]
- İbn Fars, Ahmad bin Fars (1979). Muḥam Maqāyīs al-Lughah [Dictionary of Language Measures], Editor/Reviewed by: Abdul-salam Muhammad Harun, Qom: Islamic Media Foundation. [In Arabic]
- Ibn Manzūr, Muhammad ibn Makkarim (1414 AH). Lisān al-‘Arab [The Tongue of the Arabs], Beirut: Dar al-Sadr. [In Arabic]
- Azharī, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). Tahdhib al-Lughah [Refinement of Language], Beirut: Dar Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]
- Amin, Mojtaheda (1362 AH). Makhzan al-‘Irfān [Treasury of Knowledge] in Tafsir of the Quran, Isfahan: Support Organization for Orphaned Families of Isfahan. [In Persian]
- Iazi, Muhammad-‘Ali (1380 AH). Fiqh-Pazhūhī-ye Qur’ān [Islamic Jurisprudence and Quranic Principles], Qom: Publications of the Office of Worship and Propaganda. [In Persian]
- Tabandeh Gombadi, Sultan Hossein (1363 AH). Risāleh Raf‘ al-Shubhat [Treatise on Dispelling Doubts], Tehran: Hussainiyyah Library of Amir Sulaimani. [In Persian]

- Hurr al-‘Āmelī, Muhammad ibn Hasan (1409 AH). *Wasa’il al-Shī’ah ilā Taqṣīl Masa’il al-Sharī’ah* [The Means of Shia Jurisprudence], Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Hilli, Yusuf ibn ‘Ali ibn Muṭaṭṭhir (d.v.). *Tibra al-Muta’allimīn fī Ahkām al-Dīn* [Advice to Students on Religious Laws], translated by Abul-Ḥasan Shara’ānī, Tehran: Islamic Society Books. [In Arabic]
- Khamene’i, Seyyed ‘Ali (1398 AH). *Lesson Book of Nahj al-Balagha* [The Peak of Eloquence], Qom: Institute of the Supreme Leader’s Representative, Publications Office. [In Persian]
- Kharamashahi, Baha’ al-Din (1381 AH). *Encyclopedia of the Quran and Quranic Studies*, Tehran: Doostan and Nahid Publications. [In Persian]
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1424 AH). *Tawdih al-M masā’il* [Explanations of Islamic Legal Issues] (Sharḥ), Edited and Corrected by Seyyed Muhammad Hasan Banihashemi, Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Raghib Isfahani, Hossein (1412 AH). *Mufradāt Afāz al-Qur’ān* [Lexical Items of the Quran], Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Zabidi, Muhammad (1414 AH). *Tāj al-‘Arous* [The Crown of the Boudoir], Edited by ‘Alī Shīrī, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Tabataba’i, Muhammad Hossein (1378 AH). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Balance in Quranic Commentary], Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary. [In Persian]
- Tabarsi, Fadhl ibn Hasan (1372 AH). *Majma’ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Assembly of Explanations in Quranic Commentary], Tehran: Naser Khosrow Publications. [In Persian]
- Tabari, Abu Jafar Muhammad ibn Jarir (1412 AH). *Jāmi’ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Comprehensive Exposition of Quranic Interpretation], Beirut: Dar al-‘Ilm. [In Arabic]
- Fadil Lankarani, Muhammad Javad (1392 AH). *Khamṣ al-Anfāl wa al-Fay’ fī al-Qur’ān al-Karīm* [The 5th: F’e and Fays in the Quran], Organized by Seyyed Javad Hossein Khah, Qom: Center for Fiqh of the Imams. [In Arabic]
- Farāḥī, Khalil ibn Ahmad (d.v.). *Al-‘Ayn* [The Source], Edited by Mahdi al-Makhzūmī and Ibrāhīm al-Sāmarrā’ī, Dar al-‘Alam li al-Milāyīn. [In Arabic]
- Gharā’atī, Mohsen (1388 AH). *Tafsīr Nour* [Light Commentary], Tehran: Cultural Center – Lessons from the Quran. [In Persian]
- _____ (1392 AH). *Khamṣ and Zakat* [Fifth and Almsgiving], Tehran: Cultural Center – Lessons from the Quran. [In Persian]
- Qurshī, Seyyed ‘Ali Akbar (1371 AH). *Qāmūs al-Qur’ān* [Quranic Dictionary], Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Persian]
- Mason, Danyes (1389 AH). *The Quran and the Bible* [Shared Themes], Translated by: Fatemeh Sadat Tahami, Tehran: Sohravardi Research and Publishing Office. [In Persian]
- Motahari, Morteza (1389 AH). *Education and Upbringing in Islam*, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]

- _____ (1385 AH). General Sciences of Islam, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Makarim Shirazi, Nasser (1374 AH). Tafsir-e Namūne [Sample Tafsir], Tehran: Islamic Bookstore. [In Persian]
- Meybodi, Abul-Fadl Rashid al-Din (1371 AH). Kashf al-Asrār wa ‘Uddat al-Abrār [The Revealing of Secrets and The Pious’ Righteousness] (Known as Tafsir Khwāja ‘Abdallāh Anṣārī), Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]

